

واکاوی حادثه اعدام سال ۱۳۸۸ شهرستان سیرجان و بررسی تأثیر آن بر نظم و امنیت در جامعه

چکیده

از سال ۱۳۸۶ یکسری سرقت‌های مسلحانه، زورگیر و اخاذی در سطح و اطراف شهرستان سیرجان به وقوع پیوست. بعد از گذشت دو سال باند ۵ نفره سارقان مسلح سیرجان به علت انجام ۳۴ فقره سرقت عادی و مسلحانه دستگیر و پس از سیر مراحل قضایی، دو نفر از متهمان به نام م.ا. متولد ۱۳۶۰ و ا.ف. متولد ۱۳۶۵ به اعدام محکوم شدند. این حکم قرار بود در تاریخ ۱ دی ماه ۱۳۸۸ در ملا عام در شهر سیرجان انجام شود. که در نهایت در روز اجرای حکم پس از یورش خانواده، اقوام و دوستان مجرمین به سمت مأمورین دو نفر اعدامی را از پای چوبه دار پایین و از محل فراری دادند که در این میان ۴ نفر از مردم کشته و نزدیک به ۲۰ نفر زخمی شدند.

این تحقیق با هدف بررسی دلایل و نقاط ضعف امنیتی در عدم اجرای موفق حکم اعدام دو نفر اعدامی سال ۱۳۸۸ در شهرستان سیرجان و همچنین جلوگیری از به وجود آمدن حوادثی نظیر اعدام ناموفق در سایر نقاط مشابه و ایجاد روش و متدی مناسب برای اجرای احکام اعدام در ملا عام می‌باشد.

روش بکار رفته در این تحقیق از نوع پیمایشی است که به صورت مقطعی انجام شده است. در این تحقیق از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد، فیلم، تصاویر و پیشینه مرتبط با واقعه اعدام شهرستان سیرجان صورت گرفته است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و به صورت توصیفی و تبیینی می‌باشد.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل متعددی در بروز واقعه اعدام ناموفق شهرستان سیرجان دخیل بوده‌اند که می‌توان به؛ بی‌تدبیری و ساده‌انگاشتن موضوع از سوی مسئولین و مأمورین، عدم توجه به زمان و مکان برگزاری اجرای حکم، عدم اطلاع رسانی کافی و همراه ساختن افکار عمومی برای اجرای حکم، عدم انجام کار اطلاعاتی قبل و حین اجرای حکم اعدام، عدم استفاده از نیروی کافی برای اجرای حکم، عدم استفاده از موانع فیزیکی بین مردم و محوطه اصلی اعدام، نامناسب و استاندارد نبودن وسایل اجرای حکم، کمبود تجهیزات مناسب جهت اجرای حکم، تأخیر مقامات قضایی در محل اجرای حکم، عدم تمهیدات لازم جهت استقرار خانواده محکومین در مکان مناسب، عدم انتخاب فرد معین جهت حلقه آویز کردن مجرمین، عدم استفاده از پلیس زن در زمان اجرای حکم اعدام، تأکید اعضای شورای تأمین شهرستان برای اجرای مجدد حکم در همان محل قبلی و در نهایت از بین رفتن قبح جرائم ارتكابی محکومین در اذهان عمومی اشاره کرد.

کلید واژه: اعدام، مجازات، نحوه اجرای حکم، پلیس، نظم و امنیت

مقدمه و بیان مسئله

اعدام یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها برای مجازات افراد مجرم در طول تاریخ بوده است و هر فردی که بر خلاف قوانین آن جامعه عمل کند مجازات می‌شود. اعدام شدیدترین مجازاتی است که در قوانین جزایی پیش بینی شده است و به طور معمول نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که مهم‌ترین جرایم را مرتکب شده و برای جامعه خطرناک و به یقین قابل اصلاح نخواهند بود اعدام مجازاتی است از درجه جنایی و در ماهیت رنج آور و رسوا کننده یا به اصطلاح «ترهیبی و ترذیلی» که هدف از آن به ویژه طرد ابدی مجرم از جامعه است و در نتیجه با پایان دادن به حیات جنایتکار جامعه را از خطر بالقوه بزه‌کار مصون می‌سازد. کشور ما نیز از این امر مستثنی نیست بلکه هم در شرع و هم در قانون برای یکسری از جرم‌ها، مجازات اعدام را در نظر گرفته شده است. حکومت‌ها برای اینکه بتوانند نظم و امنیت را در جامعه برقرار و از هرج و مرج جلوگیری کنند می‌بایست بتوانند قانون را به خوبی اجرا کنند و نماد اجرای نظم و امنیت در جامعه در کنار سایر دستگاه‌های امنیتی بر عهده نیروی انتظامی در کشورمان است. در این راستا هرچه پلیس مقتدرتر باشد می‌تواند نظم و امنیت را بهتر در جامعه برقرار کند. یکی از مواردی که در اهم کار پلیس قرار دارد مبارزه با افرادی که به نوعی بر هم زننده نظم و امنیت در میان مردم و جامعه می‌شود و پلیس می‌بایست آن‌ها را دستگیر و تحویل مراجع قضایی دهد و پس از سیر مراحل قضایی و اعلام مجرمیت، بتواند با قاطعیت هرچه تمام‌تر آن را اجرا کند. یکی از دشوارترین احکام، اجرای حکم اعدام اشرا، سارقان مسلح، قاچاقچیان مواد مخدر و به نوعی محاربین فی الارض در ملاء عام است. که در هر آن امکان دارد که طرفداران، اقوام و دوستان این مجرمان مانع از اجرای حکم و درصدد فرار آن‌ها برآیند. بدین منظور اگر دستگاه‌های امنیتی با تدبیر و اقتدار عمل کنند می‌توانند این حکم را اجرا و افراد خلاف کار را به سزای اعمال خود برسانند. بر این اساس ما در این تحقیق سعی در واکاوی واقعه اجرای اعدام دو نفر سارق مسلح در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱ در شهرستان سیرجان را داریم. که در این واقعه دو نفر مجرم که قرار بود در ملاء عام اعدام شوند توسط مردم از چوبه دار پایین آورده شده و از محل فراری داده شدند و این حادثه منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از مردمی که برای مشاهده اعدام به آنجا مراجعه کرده بودند، شد؛ لذا در این تحقیق سعی در پاسخ گویی به این سؤال است که دلایل و نقاط ضعف امنیتی در اعدام اجرای موفق اعدام در شهرستان سیرجان چه بوده است.

هدف کلی تحقیق

با توجه به آیه قصاص (بقره / ۱۷۹) : «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»؛ عاقبت حکم قصاص برای حفظ حیات شماس. هدف اصلی از این تحقیق؛ اجرای حکم اعدام برای برقرار کردن نظم و امنیت در جامعه است نه برای به وجود آوردن بی نظمی در جامعه.

اهداف جزئی تحقیق

- بررسی دلایل و نقاط ضعف امنیتی در عدم اجرای موفق برای اجرای حکم اعدام در شهرستان سیرجان.

- جلوگیری از به وجود آمدن حوادثی نظیر اعدام ناموفق در نقاط مشابه.
- ایجاد روش و متدی مناسب برای اجرای حکم اعدام در ملأ عام.

کلیات و مفاهیم نظری

مفهوم اعدام: در فرهنگ فارسی معین اعدام به معنای نیست کردن و نابود گردانیدن است. همچنین اعدام در لغت نامه دهخدا به معنای نیست گردانیدن. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) و کشتن است. با توجه به تعاریفی که فرهنگ فارسی معین و لغت نامه دهخدا آورده شده است می‌توان اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارتی دیگر اشد مجازات برای محکوم است.

مفهوم نظم و انضباط اجتماعی: الستر نظم اجتماعی را انگاره‌های منظم و پیش بینی پذیر رفتار می‌داند. از دیدگاه کارکرد گرایانه نظم، وضعیتی است که در آن همه چیز در جایگاه خویش قرار گرفته است. آلن بیرو در تعریف نظم اجتماعی می‌نویسد: مضمون نظم، اندیشه چیزهایی را که هر یک به جایی مطلوب و به طور دقیق مرتب گشته است در ذهن متبادر می‌سازد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۰).

مفهوم پلیس: واژه پلیس واژه‌ای نیمه فرانسوی که از واژه لاتین و واژه آلمانی گرفته شده است. پلیس در فرهنگ لغات به معنی نظم، انضباط و یا سازمانی دولتی است که مأموریتش حمایت قانون جلوگیری از تخطی، تأمین نظم عمومی و حافظ جان و مال و ناموس افراد تعریف شده است. نظر کلیه جامعه شناسان بر این اصل مهم است اما شأن نزول کلمه و واژه پلیس که از واژه پولیس گرفته شده است به زمان اسکندر مقدونی و جانشینان آن برمی‌گردد. از نخستین سازمان‌هایی که با تشکیل جوامع بشری به وجود آمد سازمانی با نام پلیس یا نیروی انتظامی یا هر اسم دیگری برای ایجاد نظم بوده است (<http://www.police.ir>).

شیوه‌های اجرای اعدام

مجازات مرگ موضوعی است که فعالین حقوق بشر را در سال‌های اخیر به خود مشغول کرده است و فعالیت‌های زیادی در سراسر جهان برای توقف این شکل از مجازات در حال انجام است. در حال حاضر بیش از ۹۷ کشور به طور کامل این مجازات را حذف کرده‌اند و برخی دیگر از کشورها نیز با تغییر قوانین این مجازات را تنها در شرایط خاص و برای جرائم خاصی اجرا می‌کنند؛ اما هنوز نزدیک به ۶۳ کشور در جهان از مجازات مرگ به طور مستمر برای مجازات محکومان استفاده می‌کنند که در این میان سهم کشورهای عربی و ایران (به همراه چین) در اجرای مجازات مرگ بیش از سایر کشورهاست.

در کنار مبارزات فعالین حقوق بشر برای حذف مجازات مرگ بخشی از مبارزه آن‌ها برای انسانی کردن شکل این مجازات‌ها نیز هست چرا که در بسیاری از کشورها هنوز از روش‌های خونی و دردناکی برای اجرای این شکل از مجازات

استفاده می‌شود. روش‌هایی همچون سنگسار، دار زدن و گردن زدن در بسیاری از کشورهای عربی و ایران هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شیوه‌های اعدام که در دنیا مرسوم بوده و هست عبارتند از:

۱ - صندلی الکتریکی، ۲ - تزریق مرگبار، ۳ - گاز مرگبار، ۴ - دار زدن، ۵ - سر بریدن، ۶ - سوزاندن، ۷ - سنگسار، ۸ - خراب کردن دیوار بر روی مجرم، ۹ - پرت کردن از بلندی، ۱۰ - صلب، ۱۱ - تیر باران، ۱۲ - ساتی، ۱۳ - شمع آجین.
(<http://inventors.about.com>)

روش‌های اعدام

مجازات مرگ موضوعی است که فعالین حقوق بشر را در سال‌های اخیر به خود مشغول کرده است و فعالیت‌های زیادی در سراسر جهان برای توقف این شکل از مجازات در حال انجام است. در حال حاضر بیش از ۹۰ کشور به طور کامل این مجازات را حذف کرده‌اند و برخی دیگر از کشورها نیز با تغییر قوانین این مجازات را تنها در شرایط خاص و برای جرائم خاصی اجرا می‌کنند. اما هنوز نزدیک به ۶۰ کشور در جهان از مجازات مرگ به طور مستمر برای مجازات محکومان استفاده می‌کنند که در این میان سهم کشورهای عربی و ایران (به همراه چین) در اجرای مجازات مرگ بیش از سایر کشورهاست.

در کنار مبارزات فعالین حقوق بشر برای حذف مجازات مرگ بخشی از مبارزه آن‌ها برای انسانی کردن شکل این مجازات‌ها نیز هست چرا که در بسیاری از کشورها هنوز از روش‌های خونین و دردناکی برای اجرای این شکل از مجازات استفاده می‌شود. روش‌هایی همچون سنگسار، دار زدن و گردن زدن در بسیاری از کشورهای عربی و ایران هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای اینکه بتوانیم دار زدن در ایران را بررسی کنیم در ابتدا بهتر است که نگاهی به روش‌های موجود دار زدن در جهان بیندازیم. روش‌های اصلی دار زدن در جهان را می‌توان به چهار گروه دسته بندی کرد :

روش سقوط کوتاه یا بدون سقوط : که در آن محکوم ارتفاع کمی را سقوط می‌کند. در این روش به خاطر

وزن بدن که به صورت معلق قرار گرفته است طناب دور گردن محکوم سفت می‌شود و با فشار به گردن فرد وی را خفه می‌کند. معمولاً در این روش مرگ بر اثر خفگی یا قطع شریان حیاتی رخ می‌دهد و به این خاطر مرگ آنی نخواهد بود و محکوم تا زمانی که از هوش برود و بمیرد مدتی را درد می‌کشد. برای اجرای این روش معمولاً طول طناب کوتاه است و در زیر پای فرد چرخ قرار می‌دهند و یا وی را بر روی یک چهارپایه قرار می‌دهند و بعد آن را از زیر پای فرد خارج می‌کنند.

روش معلق کردن: در این روش محکوم به جای آنکه سقوط کند توسط یک وسیله و یا ماشین به بالا کشیده

می‌شود. در این روش معمولاً از جرثقیل و یا قرقره برای بالا کشیدن محکوم استفاده می‌شود. این روش اگر به صورت

سریع انجام شود ممکن است مرگ بر اثر شکستگی گردن باشد ولی عموماً مرگ بر اثر خفگی و قطع شریان حیاتی فرد می‌باشد و معمولاً فرد تا زمان مرگ که مدتی به طول می‌انجامد در بین زمین و آسمان دست و پا می‌زند. پیش از این در آمریکا از این روش به این شکل استفاده می‌شد که طناب را از یک قرقره عبور می‌دادند و سر دیگر طناب را به شی سنگینی متصل می‌کردند و در زمان اجرای حکم شی سنگین را رها می‌کردند تا سقوط کند و فرد را به شدت به بالا می‌کشید. بدین ترتیب مرگ در اثر شکستگی گردن رخ می‌داد.

روش سقوط استاندارد: در این روش محکوم که طناب به دور گردن وی آویخته شده است از ارتفاع مشخصی که معمولاً چیزی در حدود ۱,۵ تا ۴ متر است سقوط می‌کند. این روش، در واقع همان سقوط کوتاه است که اندکی پیشرفته‌تر شده است اما با این حال هنوز این ارتفاع از طناب منجر به شکستن گردن افراد نمی‌شود و در اکثر موارد در این روش نیز فرد بر اثر قطع شریان حیاتی و یا خفگی جان می‌دهد. گاهی بلند بودن زیاد طناب نیز منجر به قطع گردن افراد می‌شود. نمونه‌ای از این اتفاق در مورد اوا دوگان الوین آخرین زنی که در ایالت آریزونا در سال ۱۹۲۸ به دار آویخته شد رخ داد و در هنگام اجرای حکم گردن وی ناگهان از بدنش قطع شد و در سال‌های اخیر نیز اتفاق مشابهی برای برزان تکریتی برادر ناتنی صدام رخ داد و وی نیز در حین اعدام سرش از تنش جدا شد.

روش سقوط بلند یا مشخص: در این روش میزان سقوط فرد بر اساس وزن و قد و فیزیک فرد محاسبه می‌شود تا سقوط منجر به شکستن گردن وی شود. این روش در واقع برای رفع مشکلات روش سقوط استاندارد توسط ویلیام ماروود در سال ۱۸۷۲ ابداع شد. این روش دار زدن را کمی انسانی‌تر می‌کند و می‌تواند مرگ را برای محکوم کمی آسان‌تر کند. در این روش ارتفاع سقوط به شکلی انتخاب می‌شود که بر اثر سقوط گردن محکوم شکسته و بر اثر قطع نخاع فرد بیهوش شده و با مرگ سریع بمیرد.

برای این روش در ابتدا جدولی از وزن و طول طناب ابداع شد که بر اساس وزن محکوم طول سقوط را مشخص می‌کردند کم کم با گذشت زمان این جدول تغییراتی کرد و فاکتورهای دیگری نیز در انتخاب ارتفاع سقوط وارد شدند تا این اطمینان حاصل شود که مرگ فرد بر اثر سقوط از آن ارتفاع تنها منجر به شکستگی گردن وی شود. در حال حاضر در اجرای این روش علاوه بر آنکه ارتفاع سقوط را بر اساس وزن و قد محاسبه می‌کنند. بلکه مسائل مانند بیماری مفاصل و سایر مشکلات فرد را نیز بررسی کرده و سپس مشخصات سقوط را برای فرد تخمین می‌زنند. برای این کار در کشورهای مثل آمریکا پیش از اجرای حکم فرد سلامت فرد و مشخصات وی را بررسی می‌کنند.

همان‌طور که دیدیم روش‌های متفاوتی در جهان برای اعدام وجود دارد که هر یک به مرور زمان و برای بهبود و سریع‌تر کردن و کم درد کردن فرآیند مرگ تکمیل شده‌اند. اما متأسفانه در کشور ما عموماً برای دار زدن محکومین از روش سقوط کوتاه و معلق کردن استفاده می‌شود. اعدام‌های در زندان معمولاً به روش سقوط کوتاه هستند یعنی فرد از جایی آویزان می‌شود و طناب به دور گردن و زیر پای او چهارپایه‌ای که معمولاً ارتفاع آن از یک متر تجاوز نمی‌کند قرار می‌دهند و بعد با برداشتن چهارپایه منجر به سقوط وی می‌شوند و این سقوط معمولاً کمتر از یک متر است و مرگ در این حالت بیشتر بر اثر خفگی و قطع شریان حیاتی رخ می‌دهد و محکوم مدتی را تا مرگ درد می‌کشد. اما در اعدام‌هایی

که در ملا عام انجام می‌شود عموماً از جرثقیل استفاده می‌شود و از روش معلق کردن، که در آن فرد به جرثقیل متصل می‌شود و بعد در هنگام اجرای حکم محکوم توسط جرثقیل به بالا کشیده می‌شود این روش نیز منجر به قطع شدن گردن نمی‌شود و مرگ بر اثر فشار طناب بر گردن محکوم و قطع شریان‌های حیاتی وی می‌باشد. معمولاً فرد بعد از بالا کشیده شدن مدتی را در بین آسمان و زمین دست و پا می‌زند تا سرانجام بعد از چند ثانیه جان بدهد.
(<http://en.wikipedia.org/>)

جدول ارتفاع سقوط

وزن بدن	طول طناب	ارتفاع سقوط
kg	cm	cm
۸۹	۲۴۴	۱۶۵
۸۶	۲۴۹	۱۶۸
۸۲ ^۳ / _۴	۲۵۴	۱۷۳
۷۹ ^۱ / _۲	۲۵۹	۱۸۰
۷۶ ^۱ / _۴	۲۶۴	۱۸۵
۷۳ ^۱ / _۴	۲۶۹	۱۹۳
۷۰	۲۷۴	۱۹۸
۶۶ ^۳ / _۴	۲۷۹	۲۰۳
۶۳ ^۳ / _۴	۲۸۴	۲۱۵
۶۰ ^۱ / _۲	۲۹۰	۲۲۶
۵۷ ^۱ / _۴	۲۹۵	۲۳۱
۵۴	۳۰۰	۲۳۶
۵۱	۳۰۵	۲۴۴

بسیاری از مردم ممکن است تعجب کنند از اینکه مطلع شوند اگر اعدام به روش مدرن آن انجام شود یکی از سریع‌ترین و بی درد ترین روش‌های اعدام است. روش جدید اعدام long drop نامیده می‌شود. در این روش افرادی که مأمور اعدام هستند می‌بایست که از قبل فاصله لازم برای شکستن گردن بر اساس وزن، قد و ساختمان بدنی فرد اندازه گیری کنند. بدن بایستی پس از باز شدن دریچه زیر پای فرد با سرعتی به پایین رها شود که نیرویی معادل ۱۰۰۰-۱۲۵۰ پوند بر

روی گردن پس از محکم شدن طناب وارد شود. این فاصله می‌تواند در هر مکانی با ارتفاعی بین ۱,۵-۲,۷ متر باشد. گره طناب می‌بایستی در سمت چپ گردن در زیر فک، قرار گیرد. ضربه‌ای که به گردن در انتهای طناب وارد می‌شود، برای شکستن یا جا بجا کردن مهره آسه کافی است و بایستی که طناب نخاع را قطع کند. این حالت ایده آل روش long drop است. زمانی که گردن شکست و نخاع قطع شد، در مدت چند ثانیه فشارخون به صفر می‌رسد و فرد از هوش می‌رود. بعد از چند دقیقه نیز مرگ مغزی رخ می‌دهد. مرگ کامل چیزی در حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه طول می‌کشد ولی فرد هیچ کدام از این مراحل پایانی را احساس نخواهد کرد. (www.howstuffworks.co)

اگر فاصله به خوبی اندازه گیری نشده باشد یا دیگر فاکتورها درست انجام نشود، فرد در اثر بریده شدن سر (زمانی که ارتفاع زیاد باشد) یا خفه شدن (در زمانی که فاصله کم باشد یا طناب در موقعیت مناسب قرار نگیرد) خواهد مرد. خفه شدن ممکن است در عرض چند دقیقه رخ دهد و یک مرگ مشقت بار برای فرد باشد. عروق کاروتید در گردن، که خون مورد نیاز برای مغز را فراهم می‌کنند، فشرده می‌شوند. مغز متورم می‌شود و در قسمت بالایی ستون مهره‌ها، نخاع دو شاخه می‌شود. عصب واگ فشرده می‌شود و باعث رفلکس واگ می‌شود که منجر به ایست قلب می‌شود. فقدان اکسیژن به علت فشرده شدن نای و در نهایت سبب از هوش رفتن فرد می‌شود و منجر به خفگی می‌شود. تکمیل این مواد از ۵ الی ۲۰ دقیقه طول می‌کشد. در روش short drop که در بعضی کشورها انجام می‌شود مرگ فقط در نتیجه خفگی و/یا فشرده‌گی عروق ناحیه گردن رخ می‌دهد. در بعضی موارد هم اعدام با بالا کشیدن فرد صورت می‌گیرد.

علل مرگ به خاطر دار آویختگی :

- ۱- انسداد سرخ رگ‌های حیاتی گردن و نرسیدن خون و اکسیژن به مغز.
 - ۲- شکستن گردن و آسیب پیاز مغز (حداقل ۱۲۰ سانتیمتر باید طناب سقوط کند و سپس بایستد تا گردن شکسته شود).
 - ۳- انسداد شاه رگ‌ها و افزایش ناگهانی فشار خون که منجر به ایست قلبی می‌شود.
 - ۴- خفگی در اثر انسداد مجرای تنفسی (دار زدن با طناب کوتاه).
 - ۵- شوک وقفه‌ای از علل دیگر مرگ بر اثر دار آویختگی می‌باشد فشارهای ۵ کیلویی باعث بسته شدن شریان کاروتید و ۲۵ کیلو موجب شکستگی دررفتگی مهره‌های گردنی می‌شود. (منبع ویکی پدیا).
- در اعدام‌هایی که فرد با جرثقیل بالا برده می‌شود یا از ارتفاع کوتاه سقوط می‌کند ستون مهره‌ها سالم می‌ماند و فقط خفگی در اثر فشار بر شریان‌های حیاتی بدن رخ می‌دهد.
- اما اعدام‌هایی که با سقوط فرد محکوم همراه باشد شکستن مهره‌ها رخ می‌دهد و نخاع در این حالت سریعاً قطع شده و فرد بیهوش می‌شود و قسمت‌های کنترل کننده اعمال حیاتی بدن مانند مرکز تنفس در بصل النخاع مختل شده و مرگ در اثر فلج شدن عضلات تنفسی و به طبع آن خفگی و مرگ رخ می‌دهد که در این حالت محکوم درد کمتری را تحمل کرده و از حالت خفگی در اثر فشار بر شریان‌ها مرگ راحت‌تری رخ می‌دهد.»

شکستگی قوس مهره‌ای آکسیس یکی از شایع‌ترین آسیب‌های مهره‌های گردنی می‌باشد. معمولاً «شکستگی در ستون استخوانی شکل گرفته توسط زواید مفصلی فوقانی و تحتانی آکسیس اتفاق می‌افتد. شکستگی در این محل که اسپوندیلولیزیس تروماتیک C۲ نامیده می‌شود. معمولاً ناشی از هایپر اکستنشن سر روی گردن است که باعث آسیب ضربه شلاقی^۱ می‌گردد. این نوع هایپر اکستنشن در محکومین به اعدام اتفاق می‌افتد. در دار زدن گره را قبل از اینکه بدن به طور ناگهانی از سقف آویخته شود به زیر چانه می‌اندازند به همین علت به این نوع شکستگی، شکستگی^۲ گفته می‌شود. در آسیب‌های خیلی شدید تنه‌ی مهره C۲ جلوتر از تنه‌ی مهره‌ی C۳ قرار می‌گیرد. با این نیمه دررفتگی در آکسیس و یا بدون آن احتمال آسیب نخاع و یا صدمه ساقه مغز^۳ وجود دارد و گاهی اوقات منجر به کوادری پلزی (فلج هر ۴ اندام) یا مرگ می‌شود. (مور، ۱۳۸۷).

در کشورهای غربی، اعدام‌های قانونی به نحوی طراحی می‌شوند که محکوم از طناب دار رها شود و گردن محکوم به سرعت بشکند تا قطع شدن ناگهانی نخاع به مرگ سریع فرد بینجامد. اما در اعدام به شیوه آویزان شدن از طناب دار یا موارد خودکشی به روش حلق‌آویز کردن، داستان کاملاً متفاوت است. این افراد اغلب بر اثر اسفیکسیا می‌میرند، یعنی نرسیدن اکسیژن کافی به مغز آن‌ها را از پا در می‌آورد.

از قرن هجدهم، دلیل این خفگی و طول زمان آن سوال برانگیز بود و ۳ فرضیه مهم برای آن مطرح شده بود: فشار به مسیر تنفسی، انسداد رگ‌هایی که خون را به مغز می‌رسانند و فشار به عصب واگ که منجر به افزایش غیرعادی ضربان قلب و در نتیجه حمله قلبی می‌شود .

اما به گزارش نیوساینتیست، محققین کانادایی به تازگی با بررسی فیلم‌های به جا مانده از افرادی که حلق‌آویز کردن خود را به تصویر کشیده‌اند، فرضیه مسدود شدن رگ‌های خون رسان مغزی را تایید کرده‌اند. به گفته این محققین، فرد در عرض ۸ ثانیه پس از حلق‌آویز شدن، هشیاری خود را از دست می‌دهد، سپس مراحل پیچیده‌ای از حرکات غیرارادی و تشنج را نشان می‌دهد و در نهایت می‌میرد. سریع‌ترین مرگی که آن‌ها مشاهده کردند، ۶۲ ثانیه به طول انجامیده و کندترین مرگ هم به مدت ۷ دقیقه و ۳۱ ثانیه طول کشیده بود.

مشاهدات این محققین نشان می‌دهد که طی دوره‌های حرکات غیرعادی و تشنج، بدن فرد با دیوار و اشیای اطراف برخورد می‌کند. آن‌ها می‌گویند بسیاری از جراحات و کبودی‌هایی که اغلب تصور می‌شود قبل از خودکشی اتفاق افتاده‌اند، در این مرحله پدیدار می‌شوند (حاجی هاشمی، ۱۳۹۱).

اجرای علنی احکام اعدام: اجرای حکم اعدام در ملاءعام که هر از گاهی در مورد برخی محکومیت‌ها اعمال

می‌شود، حاوی مسائلی بحث‌انگیز است که در این نوشتار به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. پرسش نخست این است که

^۱ - whiplash injury

^۲ -hangsmans

^۳ -Brain Stem

مبانی حقوقی این نوع اجرای مجازات (علنی) چیست؟ و پرسش دیگر اینکه مضرات و منافع اجرای اعدام در ملاءعام کدام است؟

۱- آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۲ که بر نحوه و تشریفات اجرای احکامی که منجر به سلب حیات انسانی می‌شود، تصریح شده بر وجوب اجرای علنی این نوع مجازات‌ها دلالت ندارد. قطع نظر از این موضوع «آیین‌نامه» به ویژه در امور جزایی نمی‌تواند فراتر از قوانین مصوب، مقرراتی را وضع کند. در مقررات موضوعه کیفری فعلی، جز ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی که ناظر به اجرای «حکم رجم» است و می‌گوید: «مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد...»، هیچ نص صریح قانونی بر واجب بودن اجرای مجازات سلب حیات انسانی در ملاءعام، وجود ندارد. از آنجایی که تفسیر موسع قوانین جزایی به ضرر متهم یا محکوم علیه کیفری منطبق با موازین جزایی نیست زیرا که اجرای علنی مجازات، باعث هتک حیثیت محکوم علیه و بستگانش می‌شود، به نظر نمی‌رسد در مصداق مورد اشاره (اجرای رجم) نیز قید «مناسب است» بر وجوب اجرای علنی رجم دلالت داشته باشد. بنابراین بدیهی است. در مورد محکومان به مجازات قصاص نفس، مطابق بند «ز» از ماده ۷ آیین‌نامه یادشده اولیای دم مقتول یا وکیل آن‌ها می‌توانند در محل اجرای حکم حضور یابند و این امر نیز به معنای الزام اجرای حکم در ملاءعام نیست.

۲- در مورد فواید اجرای علنی برخی مجازات‌های سلب حیات انسانی، گفته می‌شود چنین رویکردی باعث عبرت سایرین و به ویژه مجرمان بالقوه می‌شود و اثر بازدارندگی دارد. در این شیوه مجازات که اغلب در مورد مجرمان قتل‌های سریالی اعمال می‌شود گاهی خونسردی محکومان به اعدام در زمان اجرای حکم و برخی واکنش‌های آنان که حکایت از عدم پشیمانی آن‌ها دارد سبب می‌شود در اثر بازدارندگی اجرای علنی مجازات اعدام تردید ایجاد شود و با اظهار ندامت توأم با خونسردی و ابراز شادی مجرم (به ویژه در مورد مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی) مانند واکنش احمد روسی (یک قاتل) نسبت به قاضی اجرای حکم و بوسیدن وی باعث می‌شود بعضی تماشاچی‌ها و مجرمان بالقوه احساس ترحم نسبت به محکوم علیه کنند که چنین وضعیتی تضعیف‌کننده اثر بازدارندگی در مردم است. از سوی دیگر اجرای علنی این نوع مجازات‌ها ممکن است در نوجوانان موجب ایجاد تأثیر سوء شود. به هر حال باید این نوع جنبه‌ها مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد و بالاخره آنچه مسلم است برخورد سلیقه‌ای در اجرای علنی مجازات‌ها برخلاف اصل تساوی عموم در برابر قانون و رعایت حیثیت محکوم علیه است. با این حال اعمال رویه سنتی درباره اعدام علنی قاتلان سریالی، متجاوزان به زنان و دختران و به طور کلی درباره مواردی که ارتکاب جرم موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شده، گاهی خواست بخشی از مردم است که اجرای عدالت فوری را در حذف فیزیکی و علنی مجرم می‌بینند اما برخی از آنان حداقل در زمینه عوامل جرم‌زا یا شخصیت بیمار مجرم (همانند شخصیت ضد اجتماعی) اطلاعات کافی ندارند. (اسماعیلیان، ۱۳۹۱)

یافته‌های تحقیق

از سال ۱۳۸۶ یکسری سرقت‌های مسلحانه، زورگیر و اخاذی در سطح و اطراف شهرستان سیرجان به وقوع می‌پیوست. فکر تمام مأموران انتظامی را به خود جلب کرده بود و اینکه این سرقت‌ها ادامه پیدا کرد ولی خبری از دستگیری افراد سارق وجود نداشت تا اینکه پس از گذشت دو سال باند ۵ نفره سارقان مسلح سیرجان پس از ۳۴ فقره سرقت عادی و مسلحانه دستگیر و پس از سیر مراحل قضایی، دو نفر از متهمان به نام م.ا. متولد ۱۳۶۰ و ا. ف. متولد ۱۳۶۵ به اعدام محکوم شدند. قرار شد این حکم در تاریخ ۱ دی ماه ۱۳۸۸ در ملا عام در شهر سیرجان صورت پذیرد.

در همین رابطه روزنامه نگارستان در اسفند ماه سال ۱۳۸۷ با یکی از مجرمین مصاحبه‌ای انجام داد و در آن از چگونگی و علت سرقت‌ها پرسیده شد. او در مصاحبه‌اش بیان داشت که در آن دوران به جرم حمل مواد مخدر در زندان سیرجان به صورت زندان با کار حضور داشتیم. وضع خوبی نداشتیم و درآمد کافی نیز وجود نداشت. از شیراز اسلحه تهیه و اولین سرقت مسلحانه را با سرقت یک خودرو از شهرک گل گهر سیرجان آغاز کردیم که بعد مدتی صاحبش را از محل خودرو مطلع کردیم. وی بیان داشت که روزها تا ظهر در زندان بودیم و بعد ظهر برای سرقت به شهر می‌آمدیم و بعد بر می‌گشتیم زندان. مأموران توی شهر دنبال سارق می‌گشتند اما من توی زندان بودم به همین خاطر بود که دو سال طول کشید تا به همراه چهار نفر از همدستانم شناسایی شدیم.

پس از اینکه ساعت ۷/۴۵ دو نفر مجرم را پای چوبه دار آوردند و حلقه طناب دار را بر گردن آن‌ها آویختن و خودرو نیشان زیر پای آن‌ها کشیده شد. لحظاتی پس از اعدام سنگ پرانی شروع می‌شود و مسئولان از صحنه دور می‌شوند. در همین هنگام مأموران اقدام به شلیک هوایی می‌کنند اما آن‌ها هم به دلیل فشار جمعیت، خود را از صحنه دور می‌کنند. یک زن که احتمالاً از بستگان اعدامی‌ها بود به طرف آن‌ها می‌دود تا زیر پای یکی از آن‌ها را بگیرد و پس از او برخی افراد حاضر به کمکش می‌شتابند و دو نفر اعدامی را از پای چوبه دار پایین کشیدند و به مکان نامشخصی انتقال دادند. بلافاصله تیم پلیسی سیرجان وارد عمل شدند تا اینکه موفق شدند ساعت ۱۳۰۰ در منزلی در روستای اکبر آباد دستگیر شدند.

شنیده‌ها و اخبار تایید نشده حاکی از اجرای حکم اعدام برای دومین بار در همان مکان و در حضور مردم اجرا شود. به همین علت جمعیت بیشتری در محل حاضر می‌شوند. برخی حاضران با پرتاب کردن سنگ و اشیاء مختلف به طرف مأموران عصبانیت خود را نشان می‌دهند و عده‌ای از معترضین یک خودرو نیروی انتظامی را واژگون می‌کنند. صدای تیراندازی شروع می‌شود. که در اثر تیراندازی تعداد ۴ نفر کشته و نزدیک به ۲۴ نفر زخمی شدند.

سرانجام دو نفر اعدامی فراری را به کرمان انتقال دادند و در ساعت ۲۲۰۰ در زندان کرمان به دار مجازات آویخته شدند. به دنبال بروز حوادث پس از اعدام ۲ سارق مسلح در سیرجان، ۳۴ نفر از افرادی که در این آشوب‌ها دست داشته توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند.

قدرت رسانه‌های اعدام سیرجان

ماجرای اعدام دو سارق مسلح در سیرجان و اخبار مربوط به فرار از پای چوبه دار و دستگیری مجدد آن‌ها خیلی زود به تیتراژ اول رسانه‌ها تبدیل شد. لحظاتی از اتفاق نادر نگذشته بود که خبر مذکور با عنوان «دو اعدامی در سیرجان ربوده شدند» ابتدا روی خروجی خبرگزاری رسمی فارس قرار گرفت و از آن لحظه به بعد بود که سایر منابع خارجی به پردازش آن پرداختند تا متأسفانه نام سیرجان این بار همراه با یک خبر مشتمل‌کننده برای چند روز در صدر اخبار ایران و جهان قرار گیرد. هر یک از رسانه‌ها با توجه به اهداف خود از یک زاویه به آن نگاه می‌کردند. برخی شبکه‌های خارجی دست‌نشانده دشمنان این انقلاب، فرار اعدامی‌ها را نجات دو نفر از افراد مخالف این انقلاب که در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاده بود معرفی می‌کردند و برخی اذعان می‌داشتند که مردم فهیم سیرجان دو نفر از طرفداران موسوی (کاندیدای ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸) که در جریان آشوب‌ها داخلی دستگیر شده بودند را از پای چوبه دار پایین آوردند و مانع از اجرای حکم اعدام شدند.

واقعیت این است که نگاهی که امروز مردم ایران و حتی جهان به سیرجان دارند با نگاهی که در حادثه اعدام سیرجان داشتند کاملاً متفاوت است. تا قبل از این اسم سیرجان به گوش مردم دنیا نخورده بود و یا اگر خورده بود چندان ذهنیتی منفی از آن نداشتند. اما امروز دیگر متأسفانه سیرجان را با یک نام می‌شناسند. اعدام! شاید عده‌ای بر این گفته خرده بگیرند و آن را کمی اغراق‌آمیز بدانند که البته حق هم دارند. ولی وقتی پس از حادثه اعدام سیرجان قصد جستجوی سیرجان را در سرویس اینترنتی گوگل داشتم این سرویس پس از درج حروف اولیه سیرجان دو پیشنهاد را مطرح می‌کرد. سیرجان اعدام و اعدام سیرجان! موضوعی که اصلاً نمی‌تواند خوشایند شهر آرام و مذهبی چون سیرجان باشد. شاید بتوان گفت: بار روانی منفی‌ای که وقایع روز اول دی ماه ۱۳۸۸ بر ذهن‌ها گذاشت به مراتب سهمگین‌تر از جنگ تمام‌عیار با خرابی‌های فراوان بود. نمی‌خواهیم در این باره زیاد از حد منفی بافی کنیم اما این خبرها نمی‌تواند برای افرادی که به سیرجان مسافرت می‌کنند یا دانشجویانی که سیرجان را برای ادامه تحصیل انتخاب می‌کنند و یا سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری در این شهر دارند خبرهای خوبی باشد (احمد زاده، ۱۳۸۸).

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق سعی در واکاوی واقعه اجرای اعدام دو نفر سارق مسلح در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱ در شهرستان سیرجان را داریم. که در این واقعه دو نفر مجرم که قرار بود در ملأ عام اعدام شوند توسط مردم از چوبه دار پایین آورده شده و از محل فراری داده شدند و این حادثه منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از مردمی که برای مشاهده اعدام به آنجا مراجعه کرده بودند، شد؛ لذا در این تحقیق سعی در پاسخ‌گویی به علل و عوامل دخیل در وقوع حادثه (معایب و نواقص اجرای حکم) در شهرستان سیرجان بدون هیچ‌گونه غرض ورزی و پیش‌داوری و همچنین متهم کردن فرد یا افرادی، صرفاً به منظور بیان معایب، نواقص و ارائه راهکار علمی برای اجرای دقیق اعدام باشیم.

از طرفی با توجه به آیه قصاص (بقره / ۱۷۹) : «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» که می‌فرماید؛ «عاقبت حکم قصاص برای حفظ حیات شماست». به دنبال این مطلب هستیم که به عموم مردم یاد آوری کنیم که اجرای حکم اعدام برای برقرار کردن نظم و امنیت در جامعه است نه برای به وجود آوردن بی نظمی در جامعه؛ و برای برقرار کردن نظم و امنیت شایسته است که تمامی مردم و مسئولین با مشارکت هم این امر لازم و حیاتی را تحقق بخشند.

علل و عوامل دخیل در وقوع حادثه اعدام سال ۱۳۸۸ شهرستان سیرجان

۱- **عدم توجه به زمان برگزاری اجرای حکم:** با بررسی دقیق زمان برگزاری اجرای حکم در می‌یابیم که زمان در نظر گرفته شده برای اجرای حکم مصادف با ایام محرم بود. که این زمان از لحاظ عرف عمومی برای مردم قابل احترام و حساسیت‌های خاص خود را دارد. دومین نکته؛ زمان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، که کشور یکی از ملتهب‌ترین دوران تاریخ خود را از زمان انقلاب سپری می‌کرد سومین نکته‌ای که می‌توان بدان اشاره کرد فاصله زمانی ابلاغ دستور مقام قضایی مبنی بر اجرای حکم (۱۳۸۸/۰۹/۲۹) تا زمان اجرای حکم (۱۳۸۸/۱۰/۰۱) دانست. که در این فاصله زمانی کوتاه نمی‌شود مقدمات لازم را برای اجرای هرچه بهتر حکم انجام داد و از طرفی زمان کافی برای برنامه ریزی و برآورد دقیق اطلاعاتی وجود نداشت.

۲- **عدم توجه به مکان مناسب برای برگزاری اجرای حکم:** یکی دیگر از معایبی که می‌توان برای اجرای حکم اعدام شهرستان سیرجان بیان کرد، عدم توجه به مکان مناسب برای برگزاری اجرای حکم بود. محوطه اجرای حکم خاکی و مملو از سنگ و خرده آجرهای ساختمانی بود که از هر کدام از این سنگ‌ها می‌توان به عنوان یک سلاح برای عدم اجرای حکم استفاده کرد. که متأسفانه این مکان به درستی انتخاب نشده بود یا اینکه محل از سنگ و خرده آجرهای ساختمانی پاک‌سازی نشده بود.

۳- **ساده و سهل گرفتن اجرای حکم توسط مسئولین مربوطه:** شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در حادثه اعدام شهرستان سیرجان به ساده و سهل گرفتن موضوع توسط مسئولین قضایی، امنیتی و اعضاء شورای تأمین شهرستان سیرجان اشاره کرد.

۴- **عدم اطلاع رسانی کافی و همراه ساختن افکار عمومی برای اجرای حکم:** برای اجرای حکم اعدام دو نفر مجرم که دارای سابقه شرارت، سرقت‌های متعدد به خصوص سرقت مسلحانه دارند. لازم است از مدت‌ها قبل توسط مبادی اجرای حکم چه از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و چه در زمان اجرای حکم اطلاع رسانی لازم و کافی صورت پذیرد و افکار عمومی جامعه را همراه و همگام با خود برای انجام هرچه بهتر اجرای حکم در ملا عام انجام داد؛ تا زمانی که پای

چوبه دار دو نفر مجرم یا خانواده آن‌ها اقدام به مظلوم نمایی می‌کنند و قصد دارند اذهان عمومی را همسو با اهداف خود منحرف بکنند، موفق نشوند.

۵- عدم انجام کار اطلاعاتی قبل و حین اجرای حکم اعدام: نیروهای اطلاعاتی می‌بایست از مدت‌ها قبل از اجرای حکم، برآورد اطلاعاتی لازم را جهت اجرای هر گونه اقدام غیر قانونی در زمان اجرای حکم اعدام انجام می‌دادند؛ و پیش بینی‌های لازم را در جهت افرادی که به نوعی قصد بر هم زدن نظم و اجرای حکم را دارند شناسایی و مهار کنند. یا اینکه در زمان اجرای حکم نیروهای اطلاعاتی با لباس شخصی و به صورت پوششی در بین مردم حضور و از عکس‌العمل‌هایی که منتج به واکنشی می‌شد شناسایی و خنثی می‌کردند.

۶- عدم استفاده از نیروی کافی برای اجرای حکم: یکی دیگر از معایب اصلی اجرای ناموفق اعدام در شهرستان سیرجان، به عدم استفاده از نیروی کافی در محل اجرای حکم اشاره کرد. که این امر هم به واسطه ساده گرفتن موضوع و عدم برآورد دقیق اطلاعاتی از موضوع است.

۷- عدم استفاده از موانع فیزیکی بین مردم و محوطه اصلی اعدام: یکی دیگر از معایب بکار رفته در اجرای حکم اعدام، عدم استفاده از موانع فیزیکی بین مردم و محوطه اعدام است. که بدین منظور می‌توانستند از قبل با بلوک‌های سیمانی یا نرده‌های فلزی مردم را از محوطه اصلی اعدام جدا کنند؛ و نیروها نیز پشت موانع فیزیکی بهتر می‌توانستند جمعیت را کنترل کنند.

۸- نامناسب و استاندارد نبودن وسایل اجرای حکم: یکی از وسایل اجرای حکم، چوبه دار است که تصاویر گویای آن است که چوبه دار استفاده شده در زمان اجرای حکم در شهرستان سیرجان استاندارد نبوده است.

چند نکته در مورد چوبه دار می‌بایست لحاظ کرد؛ ۱- استحکام، ۲- غیر قابل دسترس بودن مردم به راحتی به آن، ۳- داشتن ابعاد مناسب و ارتفاع مناسب از زمین.

یکی از مواردی که معمولاً در کشور ما بدان توجه نمی‌شود؛ داشتن چوبه دار مناسب برای اجرای حکم است. در اکثر کشورهای پیشرفته به دنبال این مطلب هستند که اعدام را چگونه برگزار کنند تا مجرم در کم‌ترین فاصله زمانی بدون درد و رنج به حیات خود خاتمه دهند. بدین منظور چوبه‌های داری را طراحی کرده که در آن سه شرط لازم بالا را داشته باشد.

نکته دومی که در اجرای حکم اعدام بایستی بدان توجه شود طناب دار استاندارد است. که استاندارد طناب دار خود به ۱- جنس، ۲- نوع گره طناب اعدام، ۳- فاصله حلقه طناب از چوبه بالایی که طناب اعدام بدان بسته می‌شود، ۴- دریاچه زیر پای اعدامی بستگی دارد.

۱- جنس طناب اعدام باید از الیافی باشد که باعث بریدگی گردن مجرم در حین اجرای حکم نشود و آنقدر کلفت نباشد که مانع از خفگی و اجرای حکم شود. از طرفی نیز نایستی نازک باشد که در حین اجرا پاره شود. جنس طناب نباید از الیاف پلاستیکی باشد چون باعث بریدگی می‌شود. بهتر است جنس طناب اعدام از الیاف پنبه‌ای باشد.

۲- گره زدن طناب دار خیلی مهم و کار حساسی است که احتیاج به تجربه و تخصص بالایی می‌باشد. زیرا گره طناب باید طوری زده شود که پس از اینکه طناب را به دور گردن مجرم انداختید قابلیت این را داشته باشد که گره کشیده شود و پشت سر (بصل النخاع) مجرم قفل شود. که خود این موضوع باعث می‌شود که زمانی تخته را از زیر پای مجرم کشیدند و به سمت پایین کشیده شد بلافاصله نخاع از داخل بصل نخاع خارج شده و در همان ثانیه‌های ابتدایی فرد می‌میرد. ولی اگر گره طناب به درستی زده نشود باعث می‌شود تا حلقه طناب چرخیده و فرد قطع نخاع نشده بلکه در اثر خفگی جان دهد که این خود زمانی بین ۶۰ ثانیه تا ۷ دقیقه را به خود اختصاص می‌دهد. این زمان خود فرصت مناسبی است برای پایین کشیدن مجرم از چوبه دار و فراری دادن آن، نظیر آنچه در اعدام شهرستان سیرجان اتفاق افتاد. فیلم باقی مانده از حادثه اعدام نشان می‌دهد که مجرم دقیقاً چیزی نزدیک به ۵۵ ثانیه از چوبه دار آویزان بودند ولی هنوز خفه نشده بودند.

نکته: گره طناب می‌بایستی در سمت چپ گردن در زیر فک، قرار گیرد. ضربه‌ای که به گردن در انتهای طناب وارد می‌شود، برای شکستن یا جا بجا کردن مهره آسه کافی است و بایستی که طناب نخاع را قطع کند. این حالت ایده آل روش long drop است. زمانی که گردن شکست و نخاع قطع شد، در مدت چند ثانیه فشارخون به صفر می‌رسد و فرد از هوش می‌رود. بعد از چند دقیقه نیز مرگ مغزی رخ می‌دهد. مرگ کامل چیزی در حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه طول می‌کشد ولی فرد هیچ کدام از این مراحل پایانی را احساس نخواهد کرد.

۳- فاصله حلقه طنابی که دور گردن مجرم می‌اندازند تا جایی که طناب به چوبه دار بسته می‌شود خود دارای محاسبات دقیقی است که در اجرای هرچه بهتر حکم کمک می‌کند. این فاصله بر اساس قد و وزن مجرم اندازه گیری می‌شود. زیرا اگر فاصله طناب زیاد باشد امکان جدا شدن سر مجرم در حین اجرای حکم را دارد نظیر آنچه در چین در حین اجرای حکم اعدام زنی اتفاق افتاد؛ و اگر فاصله کم باشد باعث می‌شود که فرد قطع نخاع نشده و در اثر خفگی جان دهد. هرچه وزن مجرم کمتر باشد این فاصله نیز می‌بایست کمتر در نظر گرفته شود و هرچه وزن مجرم سبک‌تر باشد این فاصله می‌بایست بیشتر در نظر گرفته شود. در رابطه با قد مجرم نیز این نکته را باید اشاره کرد طوری این فاصله در نظر گرفته شود که پس از کشیدن تخته از زیر پای او به زمین نرسد. برای شکستن گردن و آسیب پیاز مغز (حداقل ۱۲۰ سانتیمتر باید طناب سقوط کند و سپس بایستد تا گردن شکسته شود) که اطلاعات دقیق‌تر آن در فصل دوم اشاره شده است.

نکته: معمولاً در کشور ما در برخی مواقع برای اعدام از جرثقیل استفاده می‌شود. در این نوع اعدام پس از اینکه طناب را به دور گردن مجرم انداختند او را بالا می‌کشند. در این نوع اعدام فرد صرفاً در اثر خفگی و جان دادن زیاد می‌میرد که بسیار ناخوشایند و غیر انسانی است. بهتر است بجای جرثقیل از چوبه دار استاندارد استفاده شود. ولی برخی‌ها معتقدند

که استفاده از جرثقیل باعث می‌شود که مردم دستشان به مجرم نرسد و هنگامی که دیدند که کار از کار گذشته دیگر دست به اقدامات خشونت آمیز نمی‌زنند.

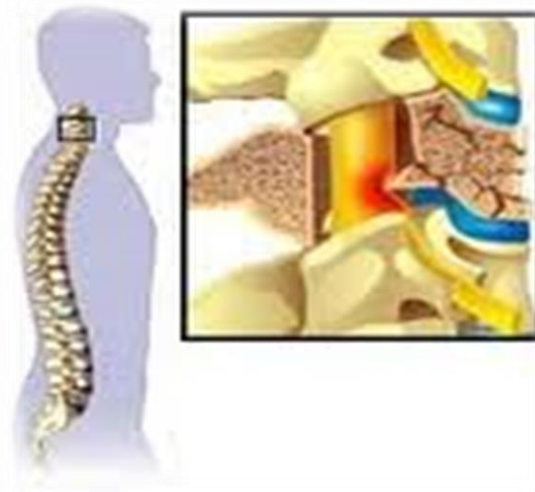
نکته: هنگامی که مجرم به محوطه اعدام آورده می‌شود بهتر است از چشم بند، دستبند و پابند استفاده شود.

نکته: در تصویر اعدام شهرستان سیرجان ایرادی که در این زمینه به خوبی دیده می‌شود؛ نبود چوبه دار استاندارد، طناب اعدام استاندارد، گره اعدام مناسب، عدم رعایت فاصله طناب، عدم استفاده از دریچه زیر پای اعدامی‌ها، عدم استفاده از چشم بند، استفاده از یک پابند برای دو مجرم که اگر یک مجرم کوتاه قد و دیگری بلند قد باشد خود مانع از اجرای دقیق حکم پس از آویزان شدن از چوبه دار می‌شود.

۴- دریچه زیر پای اعدام: یکی دیگر از اصولی که در اعدام کمتر بدان توجه می‌شود نوع تخته زیر پای اعدامی می‌باشد. اگر این تخته به صورت دریچه‌ای تهیه شود و به یکباره باز شود و مجرم بلافاصله به پایین کشیده شود باعث قطع نخاع سریع فرد اعدامی می‌شود ولی اگر از صندلی یا وسایل دیگر استفاده کنید که هنگام کشیدن از زیر پای فرد اعدامی باعث تاب خوردن وی می‌شود که همین تاب خوردن مانع از قطع نخاع فرد مجرم می‌شود و فرد اعدامی در اثر خفگی جان می‌دهد.

در حقیقت هنگامی که شخص محکوم به اعدام از طناب دار حلق آویز می‌شود، ضربه شدیدی به ستون فقرات و گردن وی وارد می‌شود و در نتیجه باعث شکستگی و آسیب شدید در بصل النخاع می‌شود که این امر موجب ایست دستگاه تنفسی به دلیلی فلج شدن ریه‌ها می‌شود. البته اگر طول طناب کم انتخاب شده باشد، شکستن گردن اتفاق نمی‌افتد و وی با خفه شدن کشته می‌شد و در حالتی که طول طناب بسیار زیاد باشد، علاوه بر اینکه گردن شخص محکوم به اعدام شکسته می‌شود بلکه سر وی از بدن جدا خواهد شد. گاه نیز خفگی تدریجی در نوع خاصی از دار زدن به محکوم دست می‌دهد که در آن طناب را بر گردن محکوم انداخته با وسیله‌ای مانند جرثقیل به آرامی از زمین بلند کرده بالا می‌کشند که مرگی تدریجی و عذاب‌آور در پی دارد و معمولاً محکوم تا جان دادن کامل مچ پاهایش را به طور غیر ارادی به هم می‌ساید.

اما محققین کانادایی به تازگی با بررسی فیلم‌های به جا مانده از افرادی که حلق آویز کردن خود را به تصویر کشیده‌اند، فرضیه مسدود شدن رگ‌های خون رسان مغزی را تایید کرده‌اند. به گفته این محققین، فرد در عرض ۸ ثانیه پس از حلق آویز شدن، هشیاری خود را از دست می‌دهد، سپس مراحل پیچیده‌ای از حرکات غیرارادی و تشنج را نشان می‌دهد و در نهایت می‌میرد. سریع‌ترین مرگی که آن‌ها مشاهده کردند، ۶۲ ثانیه به طول انجامیده و کندترین مرگ هم به مدت ۷ دقیقه و ۳۱ ثانیه طول کشیده بود (حاجی هاشمی، ۱۳۹۱).



۹- کمبود تجهیزات مناسب جهت اجرای حکم: از جمله تجهیزاتی که جهت اجرای هرچه بهتر حکم در نظر گرفته نشده بود یا تعداد آنها کافی نبود می‌توان به؛ ۱. عدم وجود حفاظ فیزیکی بین مردم و محوطه اعدام ۲. عدم استفاده از کلاه خود، سپر دفاعی و وسایل ضد شورش به اندازه کافی ۳. کمبود خودرو آتش نشانی در مکان اعدام (در حالی که تنها خودرو آتش نشانی که در اطراف حضور داشت بلافاصله پس از درگیری محل را ترک کردند و هیچ گونه اقدام موثری جهت متفرق کردن مردم با استفاده از فشار آب استفاده نکردند) ۴. نامناسب بودن وسایل اجرای حکم از جمله چوبه دار، طناب اعدام، نحوه گزند زدن طناب، ارتفاع طناب دار، تخته زیر پای اعدامی‌ها اشاره کرد.

۱۰- تأخیر مقامات قضایی در محل اجرای حکم: طی نامه‌ای که دادیار اجرای احکام در تاریخ ۱۳۸۸/۰۹/۲۹ اعلام داشتند که مقدمات اجرای حکم رأس ساعت ۷ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۰۱ در محل اجرای حکم فراهم شود؛ مأمورین نیروی انتظامی سر ساعت مقرر مجرمان را در محل اجرای حکم آماده کردند ولی مقامات قضایی ساعت ۰۷۳۰ وارد محوطه اعدام شدند و ساعت ۷۴۰ دو نفر اعدامی را پای چوبه دار آوردند. که همه این تأخیرها باعث ایجاد زمینه و بسترهای مناسب در تحریک افکار عمومی و افرادی که می‌خواستند اهداف سوء خود را عملی کنند، فراهم شد.

نکته: درست است که حکم اجرای اعدام در ملأ عام بوده است. ولی بهتر بود که این حکم در ساعات اولیه صبح اجرا می‌شود و بنا به صلاح دید مسئولین امر می‌توانست جسد دو نفر اعدامی در بالای چوبه دار برای مشاهده عموم و درس عبرت دیگران باقی می‌ماند. هنگامی که خانواده، اقوام و دوستان افراد اعدامی‌ها می‌دیدند که کار از کار گذشته و دیگر جان در بدن آنها وجود ندارد دیگر تلاشی جهت آزاد سازی آنها نمی‌کردند.

۱۱- عدم تمهیدات لازم جهت استقرار خانواده محکومین در مکان مناسب: یکی از اصولی نیز که بدان توجه نشده بود؛ عدم تمهیدات لازم جهت استقرار خانواده محکومین در مکان مناسب در زمان اجرای حکم است که می‌شد

آن‌ها را در گوشه‌ای با نظارت بیشتر و نیروهای بیشتری تحت پوشش قرار دهند. تصاویر و فیلم‌های باقی مانده از اعدام سیرجان نشان می‌دهد که بلافاصله پس از اجرای حکم اعدام خواهر یکی از اعدامی‌ها خود را به پای چوبه دار رسانده و زیر پای برادر خود را گرفت تا خفه نشود و سایر مردم نیز با مشاهده این عمل پشت سر خواهر اعدامی خود را به راحتی به چوبه دار رساندند و در کوتاه‌ترین زمان دو نفر اعدامی را از پای چوبه دار پایین آوردند.

۱۲- عدم انتخاب فرد معین جهت حلقه آویز کردن مجرمین: در روز اجرای حکم اعدام در شهرستان سیرجان فرد معینی جهت اجرای حکم از قبل مشخص نشده بود یا اگر هم مشخص شده بود در آن لحظه حضور نداشت.

۱۳- عدم استفاده از پلیس زن در زمان اجرای حکم اعدام؛ که این خود زمانی که خواهر یکی از اعدامی‌ها به پای چوبه دار یورش آورد به خوبی مشخص شد که پلیس زنی در آنجا حضور نداشت تا بلافاصله وارد عمل شود.

۱۴- نحوه اقدام مأمورین حاضر در صحنه مبین عدم توجه آنان و ارائه آموزش‌های لازم قبل از اجرای حکم می‌باشد.

۱۵- تأکید اعضای شورای تأمین شهرستان برای اجرای مجدد حکم در همان محل قبلی: پس از اینکه دو نفر اعدامی توسط اقوام و دوستان خود از پای چوبه دار پایین کشیده شده و از محل اعدام فراری داده شدند. تیم پلیسی سیرجان وارد عمل شد و موفق شد در یک عملیات ضربتی آنان را ساعت ۱۳:۱۰ در روستای اکبر آباد نزدیک جاده بندرعباس دستگیر کند. خبر دستگیری به گوش مسئولین و اعضای شورای تأمین شهرستان سیرجان رسید. آن‌ها تأکید داشتند که می‌بایست دو نفر مجرم برای اجرای حکم مجدد به همان محل قبلی انتقال داده شوند. شنیده‌ها و اخبار تایید نشده مبنی بر اعدام مجدد دو نفر مجرم فراری برای دومین بار در همان مکان به سرعت در سطح شهر پیچید و این دفعه جمعیت بیشتری برای تماشا در محل حاضر شدند.

بعد ظهر مردم به مراتب نسبت به طرف صبح جسارت بیشتری پیدا کرده بودند و شهر از حالت کنترل طبیعی خود خارج شده بود و هنگامی که مسئولین جهت بررسی اوضاع به محل اعزام شدند با واکنش مردم مواجه شدند. که در نهایت طی درگیری بین مأمورین و مردم تعداد ۴ نفر کشته و نزدیک به بیست نفر زخمی شدند.

۱۶- از بین رفتن قبچ جرائم ارتكابی محكومین در اذهان عمومی؛ متأسفانه به دلیل تأخیر در رسیدگی و اطاعه دادرسی از زمان اتفاق تا اجرای حکم باعث می‌شود تا قبچ جرائم ارتكابی مجرمین که بالغ بر ۳۴ مورد سرقت و سرقت مسلحانه بود در اذهان عمومی کم اهمیت و بی توجه شود.

نکته: یکی دیگر از عوامل از بین رفتن قبح جرائم ارتكابی محكومین به عدم اطلاع رسانی کافی توسط مبادی اجرای حکم چه از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و چه در زمان اجرای حکم در خصوص سوابق و جرائم ارتكابی مجرمین.

پیشنهادهات

- ۱- آموزش مدیران و پرسنل انتظامی مجری اعدام.
- ۲- بهتر است با توجه به اینکه اکثر اعدام‌ها در زندان برگزار می‌شود کارشناسانی از اداره زندان برای فراگیری اصول و استانداردهای چوبه دار، طناب دار، حلقه دار و تخته زیر پای اعدامی آموزش و در هنگام اجرای اعدام از افراد متخصص و آموزش دیده استفاده شود.
- ۳- بهتر است زمان اعدام در ملأ عام در همان ساعات اولیه صبح اجرا شود.
- ۴- بهتر است از شیوه‌های نوین دنیا به جای چوبه دار در اعدام استفاده شود.
- ۵- بهتر است شرایط زمانی و مکانی برای اعدام در نظر گرفته شود.
- ۶- در رسانه‌های ارتباطی اهداف، اهمیت اجرای اعدام را برای مردم تبیین و افکار عمومی برای اجرای احکام قضایی آماده شود.

منابع:

- قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۷۹.
- احمد زاده، مجتبی، (۱۳۸۸)، نشریه محلی نگارستان سیرجان، شنبه ۱۲ دی‌ماه ۱۳۸۸ - ۱۶ محرم ۱۴۳۱ - ۲ ژانویه ۲۰۱۰ - سال دوازدهم - شماره ۵۱۹.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، تهران، انتشارات نی.
- مور، کیت و آرتور دلی، (۱۳۸۷)، آناتومی مور (تنه/ مهرهای کمری)، ترجمه فردین عمیدی، مهدی عباسی، انتشارات نهضت پویا.
- حاجی هاشمی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، چگونگی وقوع مرگ در افراد محکوم به اعدام، سایت میهن.

<http://imb^{۸۹}.mihanblog.com/post/۲۲۱>

<http://vakilmaghsod.ir/۱۳۹۱/%D۸%>

- شاپور اسماعیلیان و کیل پایه یک دادگستری

- http://en.wikipedia.org/wiki/Official_Table_of_Drops

- www.howstuffworks.co

- <http://inventors.about.com/library/weekly/aa۱۰۲۴۹۷.htm>

<http://www.police.ir>